

# نظریه دوران پردازش الگوی پیشرفت اسلامی

۱. کارکرد جزوه «تولد نظریه» چیست؟
۲. دوران «پردازش ذهنی» در «افق‌نمایی الگوی پیشرفت اسلامی» چه جایگاهی دارد؟
۳. «پردازش» چیست و چه الزاماتی دارد؟
۴. چه اقدامات زیرساختی برای دوران پردازش نیاز است؟



متن حاضر جزوه تولد «نظریه دوران پردازش» است که در آن به تشریح فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در دوران پردازش ذهنی پرداخته شده است. این تقریر برگرفته از بیانات جناب حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در تاریخ ۱ و ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در شهر مقدس قم بوده که در آن به این مباحث اشاره شده است: ۱. مقدمه‌ای اجمالی درباره ضرورت تبیین فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در دوران پرورش برای فعالین الگوی پیشرفت اسلامی، ۲. بازخوانی جایگاه پردازش در این مرحله، ۳. سؤال پردازش به چه معناست؟ پردازش به معنای «ایجاد چالش همه‌جانبه در تعاریف غلط» است و ۴. بحث از زیرساخت‌های مورد نیاز برای دوران پردازش.

عباس فاطمی فخر



## مقدمه: ضرورت فهم نقشه فعالیت‌های دوران پرورش برای فعالین الگوی پیشرفت اسلامی به غرض تفاهم بالاتر در عملکرد

بسم الله الرحمن الرحيم

در حال حاضر الگوی پیشرفت اسلامی در مرحله پرورش قرار دارد؛ به عبارتی پژوهش خود را انجام داده و در حال آماده کردن جامعه برای حرکت به سمت مرحله پردازش همه‌جانبه است. لذا برای اینکه بهترین عملکرد را در این مرحله داشته باشیم باید جایگاه دوره آخر مرحله پرورش یعنی پردازش ذهنی، در افق نمایی الگوی پیشرفت اسلامی و همچنین مجموعه فعالیت‌هایی که باید در این مرحله انجام داد برای همه به صورت تفصیلی تبیین شده باشد. جزوه تولد نظریه از این رو دارای اهمیت است؛ زیرا فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی را در گام اول برای فعالین همین عرصه تبیین می‌کند تا بیشترین تفاهم در عمل را با هم داشته باشند.

### ۱. مروری بر افق نمایی الگوی پیشرفت اسلامی به غرض تبیین جایگاه دوران پردازش در مرحله پرورش

قبل از اینکه آبر مسئله الگوی پیشرفت اسلامی به سمت اجرایی شدن کامل پیش برود نیاز است که بر سر مفاهیم، تعاریف و کارآمدی خود به تفاهم عمومی با جامعه برسد. این تفاهم در سه دوره؛ ثبت ذهنی، تحلیل ذهنی و پردازش ذهنی اتفاق می‌افتد که فعالیت‌های هر مرحله باید ناظر به این حرکت تنظیم شود.

## ۱/۱. دوران ثبت ذهنی؛ دوره برقراری ارتباط بین الگوی پیشرفت اسلامی و مسائل جامعه

در دوران ثبت ذهنی - که از انتهای سال ۱۳۹۱ آغاز شد - الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال برقراری ارتباط بین خود و نیازهای جامعه بوده است. به عبارتی الگوی پیشرفت اسلامی خود را یک امر جداگانه‌ای تعریف نکرده بلکه در قامت پاسخگویی و ارائه راه‌حل برای مشکلات فعلی کشور معرفی و از این طریق جایگاه خود را در قامت پاسخگویی در اذهان نخبگان و مدیران ثبت کرده است.

برای مثال می‌توان به نظریه «پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم» برای ارائه به قوه قضاییه برای حل مسئله ارتکاب به جرم در جامعه، نظریه «تقنین مبتنی بر هدایت» برای ارائه به مجلس شورای اسلامی به غرض ارتقای وضعیت قانون‌گذاری کشور، نظریه «هسته‌های توازن فرهنگی» برای ارائه به مجلس در بررسی برنامه ششم توسعه و نظریه «الگوی رسانه‌ای با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی» برای ارائه به صداوسیما به جهت ایجاد تحریک فکری توسط رسانه، اشاره کرد.

بنابراین الگوی پیشرفت اسلامی در دوران ثبت ذهنی در اذهان مدیران و نخبگان جامعه صرفاً به عنوان یکی از دستگاه‌های پاسخگو به مسائل کشور ثبت شده است.

## ۱/۲. دوران تحلیلی ذهنی؛ پاسخ به سوالات مخاطبین به غرض رفع بررسی

پس از مطرح شدن و ثبت ذهنی الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان یکی از راه‌حل‌های رفع مشکلات کشور در گام بعد چنین نیاز بود که ساختارهای بحثی الگوی پیشرفت اسلامی توسط مخاطب به بررسی گذاشته شود. مخاطب در این مرحله صرفاً به غرض بررسی راه‌حل الگوی پیشرفت اسلامی به مسئله خود توجه کرده و راجع به آن ابراز موافقت و یا مخالفت خواهد کرد. از جمله فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در این دوره می‌توان به برگزاری دوره‌های بحثی مانند دوره چهارم جلسه‌ای «تبیین نظام برنامه‌ریزی با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی»، دوره یازدهم جلسه‌ای «تبیین مفهوم مدیریت شهری با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی» و دوره نهم جلسه‌ای «تبیین مفهوم گزارش راهبردی با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی» به عنوان پاسخ تفصیلی الگوی پیشرفت اسلامی در این مسائل اشاره کرد. همچنین باید به برخی فعالیت‌های الگوی پیشرفت اسلامی در مواجهه با موضوعات برنامه ششم توسعه و تولید، واردات و کشت محصولات تراریخته هم برای نشان دادن کارآمدی الگوی پیشرفت اسلامی اشاره کرد.

**۱/۳. دوران پردازش؛  
دوران پاسخگویی  
به سؤالات ناظر به  
اجرا**

پس از اینکه توجه به راه‌حل‌های ارائه شده توسط الگوی پیشرفت اسلامی برای نهاد یا افرادی ایجاد شد و آن گروه هدف موافقت خود را نسبت به تعاریف الگوی پیشرفت اسلامی اعلام کرد، حال نوبت به پاسخگویی همه‌جانبه نسبت به اجرایی شدن یک مسئله خواهد رسید. آن گروه هدف در این مرحله، سؤالات ناظر به اجرای مسئله خود از الگوی پیشرفت اسلامی را برای حل مشکل خود به صورت تفصیلی خواهد پرسید. در مرحله پردازش، الگوی پیشرفت اسلامی باید در جایگاه پاسخگویی به همه سؤالات نظام قرار گرفته زیرا پس از بررسی مباحث الگوی پیشرفت اسلامی، مراکز حکومتی برای حل مشکلات خود به سمت الگوی پیشرفت اسلامی روی آورده و الگو هم باید همه مباحث خود را به عنوان پاسخ تفصیلی مطرح کند. لازم به ذکر است که در حال حاضر الگوی پیشرفت اسلامی در این مرحله قرار دارد.

**۲. بررسی تعریف پردازش، نظریات پیشرو و عوامل مؤثر بر شروع**

**پردازش**

**۲/۱. تعریف مرحله  
پردازش؛ به چالش  
کشیدن همه‌جانبه  
تعاریف غلط**

همه پایه سؤالات در این مرحله، تعاریف مطرح شده در جامعه هستند. به عبارتی برای ایجاد تغییر در یک مسئله نباید به سمت مقابله مستقیم با تصمیمات رفت زیرا در این صورت باعث ایجاد نزاع و اختلاف در جامعه خواهیم شد و افراد با اراده و اختیار خود به سمت تغییر در تصمیم خود نخواهند رفت. این نکته مهم را باید دانست که همیشه تصمیمات افراد، برگرفته از نگرش‌های آن‌ها (تصاویر) بوده و نگرش‌ها هم برگرفته از تعاریف راجع به یک موضوع هستند.

بنابراین در گام اول برای ایجاد تغییر در تصمیمات افراد باید تعاریفی که باعث شکل‌گیری نگرش غلط در آن‌ها می‌شود - که بر اساس آن نگرش‌ها تصمیمات خود را خواهد گرفت - را به چالش کشیده و تعریف درست را در ذهن‌ها متولد کرد تا در این صورت افراد براساس نگرش ایجاد شده از یک تعریف درست تصمیم مناسب را با اراده و اختیار بگیرند.

**۲/۲. وجود مکاتب  
منطقی و عرفی  
مختلف در جامعه  
علت اصلی تفاوت  
در تعاریف  
نگرش‌ساز**

در حال حاضر جامعه با تعاریف مختلفی از مکاتب گوناگون روبرو است که قبل از به چالش کشیدن همه‌جانبه باید آن تعاریف را خوب شناخت و تفاوت‌های تعریف از منظر مکاتب مختلف با مکتب «فقهی هدایت» را به صورت تفصیلی تبیین کرد.

تعاریف عرفی اولین نوع از تعاریفی است که با آن‌ها روبرو هستیم که در میان هر جامعه کوچک یا بزرگی قابل مشاهده است. ریشه این نوع از تعاریف به دوران شکل‌گیری شخصیت یا محیط زندگی برمی‌گردد که افراد با استفاده از این تعاریف نیازهای روزمره خود را برطرف می‌کنند. نگاه افراد به موضوع ازدواج، چگونگی انتخاب شغل و نگاه افراد به آینده را می‌توان برگرفته از این تعاریف برشمرد.

۲/۲/۱. تعاریف عرفی (ارتکازی) برگرفته از دوران و شرایط شکل‌گیری شخصیت برای رفع نیازهای روزمره؛ اولین نوع تعاریف تأثیرگذار در زندگی افراد

مکتب دومی تعاریف غلطی در جامعه ارائه می‌کند منطق صوری است که در حال حاضر حاکم بر جوامع فکری فلاسفه و حوزه‌های علمیه است. این منطق، اشیاء را براساس ماهیت در قالب جنس و فصل تعریف می‌کند. این تعریف، توانایی تشخیص ویژگی‌ها و شرایط شخصی را نداشته و تنها به جهت طبقه‌بندی کلی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

۲/۲/۲. بحث در فضای انتزاعی براساس ماهیت اشیاء، در قالب تعریف به جنس و فصل بدون توجه به ویژگی و شرایط شخصی؛ ایراد تعریف در منطق یونانی (صوری)

البته ایراد دیگر این منطق بحث کردن به شکل کاملاً نظری و عدم توجه به موضوع در خارج است؛ یعنی نمی‌تواند تبدیل به برنامه و تأثیرگذاری در روند زندگی شود. به همین دلیل است که دستگاه‌های فلسفی برگرفته از این منطق نمی‌توانند تعاریفی بیان کنند که منجر به نگرش‌سازی صحیح و در نهایت تصمیمات همسو در جامعه شوند.

مکتب منطقی دیگری که در حال حاضر در بیشتر دستگاه‌های اجرایی کشور حاکم بوده و از آن استفاده می‌کنند منطق سیستمی است. این منطق براساس تعریف «تصرف در طبیعت برای سودآوری بیشتر» تعاریف خود را مطرح می‌کند. بر همین اساس انسان را نیازمند استفاده حداکثری از طبیعت معرفی کرده و حرص را در او فریه می‌کند. این امر برگرفته از تعاریف غلطی است که از انسان، طبیعت، منابع و چگونگی استفاده از آن دارند. برای مثال تعریفی که در اقتصاد به عنوان «تخصیص منابع محدود برای نیازهای نامحدود» وارد شده، افراد را به سمت این تصمیم سوق می‌دهد که برای استفاده بیشتر از منابع باید به سمت استثمار افراد دیگر حرکت کرد. به عبارتی تعریف اقتصاد، نگرشی

۲/۲/۳. بحث به غرض تصرف در طبیعت بدون توجه به رشد انسان؛ ایراد اصلی منطقی‌مدرن (سیستمی)

۱. الحد قول دال علی ماهیة الشيء؛ هذا حد الحد و قد يرسم بأنه قول يقوم مقام الاسم المطابق في الدلالة علی الذات، و الحد، منه تام یشتمل علی جمیع المقومات كقولنا للإنسان إنه حیوان ناطق، و منه ناقص یشتمل علی بعضها إذا كان مساویاً للمحدود كقولنا له إنه جسم أو جوهر ناطق، و التام لا یكون إلا واحداً، و أما الحدود الناقصة فكثیرة یفضل بعضها علی بعض بحسب ازدياد الأجزاء، و أيضاً منه ما یكون بحسب الاسم، و منه ما یكون بحسب الماهیة كما مر و المراد هاهنا هو الذي بحسب الماهیة، و اسم الحد یقع علی التام و الناقص بالاشتراك، لأن التام دال علی الماهیة بالمطابقة كالأسم إلا أن الاسم مفرد و الحد مؤلف، و الناقص دال علیها لا بالمطابقة بل بالالتزام و یقع علی الحدود الناقصة بالتشكیک لأن المشتمل علی أجزاء أكثر أولى بهذا الاسم من المشتمل علی أجزاء أقل فإذا أطلق هذا الاسم فالواجب أن یحمل علی التام الذي هو الحد الحقيقي وحده، و إیاه عنی الشیخ فی هذا الفصل.

الطوسی، الخواجة نصیر الدین، شرح الإشارات و التنبیها (مع المحاکمات)، ج ۱، ص ۹۵



حرص محور را در افراد ایجاد کرده و در نهایت ختم به تصمیمات برگرفته از این نگرش شده و به سمت به چالش کشیدن دیگر افراد جامعه پیش خواهد شد.

۲/۲/۴. رعایت نصح و امانت و در نظر گرفتن انسان در همه امور به غرض هدایت؛ ویژگی دستگاه فکری «فقه هدایت» در مطرح کردن تعاریف

دستگاه فکری برگرفته از ادبیات وحی (آیات و روایات) هم به عنوان یکی از راهکارهای ایجاد تعریف شناخته شده است. در فقه هدایت همه امور به محوریت هدایت انسان سنجیده می شود و تعاریف طبق همین مفهوم شکل می گیرند. وقتی تعاریف با هدف هدایت انسان بیان شد، نگرش های افراد بر همین اساس شکل گرفته و در تصمیم گیری ها به سمت اقامه قسط در جامعه<sup>۲</sup> پیش خواهند رفت. این دستگاه فقهی با ویژگی نصح و امانت<sup>۳</sup>، ارتباط بسیار خوبی با انسان ها پیدا کرده و هدف خود را هدایت معرفی می کند. به همین دلیل می تواند تعاریفی را معرفی کند که افراد به نگرش درست و در نهایت به تصمیمات همسو با حکومت الهی برسند.<sup>۴</sup>

۲/۳. نیاز به رعایت عوامل مؤثر بر فرایند تغییر در تعاریف افراد برای به چالش کشیدن تعاریف آنها

پس از اینکه به صورت اجمالاً دانستیم که در مرحله پردازش وظیفه الگوی پیشرفت اسلامی به چالش کشیدن تعاریف غلط است حال باید توجه کرد که این کار نیاز به توجه به چهار عامل دارد. با رعایت این عوامل زمینه ایجاد تغییر در تعاریف گروه هدف مورد نظر ایجاد شده و می توان آنها را به سمت تعاریف صحیح سوق داد.

۲/۳/۱. بررسی آثار و مناسک مبتنی بر یک تعریف غلط

گام اول در مقابل یک تعریف غلط بررسی آثار و مناسکی است که براساس آن تعریف غلط شکل می گیرد. به عبارتی توجه به نتیجه یک تعریف می تواند نقطه

۲. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران باری می دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (ترجمه انصاریان)

الحدید: ۲۵

۳. أٰبَلٰغُكُمْ رَسٰلَاتِ رَبِّيْ وَ اَنَا لَكُمْ نٰصِيْحٌ اٰمِيْنٌ

پیام های پروردگaram را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی آمینم. (ترجمه انصاریان)

الأعراف: ۶۸

۴. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوزًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

همان کسانی که از این رسول و پیامبر «ناخوانده درس» که او را نزد خود [با همه نشانه ها و اوصافش] در تورات و انجیل نگاه داشته می یابند، پیروی می کنند؛ پیامبری که آنان را به کارهای شایسته فرمان می دهد، و از اعمال زشت بازمی دارد، و پاکیزه ها را بر آنان حلال می نماید، و ناپاک ها را بر آنان حرام می کند، و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره ها [ی جهل، بی خبری و بدعت را] که بر دوش عقل و جان آنان است برمی دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشمنان] حمایت کردند و یاریش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگارانند. (ترجمه انصاریان)

الأعراف: ۱۵۷

شروع به چالش کشیدن آن تعریف باشد. برای مثال خداوند در قرآن کریم در رابطه با دعوت حضرت صالح علیه السلام چنین می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ \* قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۵</sup>. قوم ثمود تعریف غلطی را قبول کرده و طی آن مرتکب به سیئه می‌شدند و نتیجه قبول تعریف غلط، تفرقه و در نهایت ایجاد خصومت بین آنهاست.

### ۲/۳/۲. تشخیص منشأ و ریشه غلط یک تعریف غلط

گام دوم در مقابل یک تعریف غلط تشخیص منشأ و ریشه آن تعرف است؛ به عبارتی باید دید که به چه علتی اتفاقی افتاده که افراد یک تعریف را پذیرفته و آن تعریف سبب ایجاد یک نگرش در آنها می‌شود. استظهاراً منشأ قبول یک تعریف غلط می‌تواند یکی از عوامل زیر باشد:

۱. کسالت: روایت شریف از قول امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَ الْكَسْلَ وَ الصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ»<sup>۶</sup> و در روایت دیگری هم از قول امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است: «أَفَةُ التُّجْحِ الْكَسْلُ»<sup>۷</sup>. بنا بر این روایات، کسالت می‌تواند باعث ضایع شدن دین و دنیای شخص شود.<sup>۸</sup> شخصی که دارای کسالت باشد از حرکت برای به دست آوردن تعریف درست بازمانده و همان تعریف غلط را می‌پذیرد.

۵. آیات ۴۵ و ۴۶ سوره نمل: همانا به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید. پس ناگهان آنان دو گروه [مؤمن و کافر] شدند که با یکدیگر نزاع و دشمنی کردند. \* گفت: ای قوم من! چرا بر عذاب و هلاکت، پیش از توبه و ایمان شتاب می‌کنید؟! چرا از خدا درخواست آمرزش نمی‌کنید تا مورد رحمت قرار گیرید؟! (ترجمه انصاریان)

۶. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِيَّاكَ وَ الْكَسْلَ وَ الصَّجَرَ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ وَ إِنْ صَجَرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقَّ .

سماعة بن مهران گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: از کسالت و بی‌حوصلگی بپرهیز که اگر تبلی کنی کار نمی‌کنی، و اگر بی‌حوصلگی کنی از حقت محروم می‌شوی.

الکافی، ج ۵، ص ۸۵

۷. عن امیرالمؤمنین علیه السلام: أَفَةُ التُّجْحِ الْكَسْلُ . آفت موفقیت، تبلی است.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۶۷

۸. الإمام الباقر علیه السلام: الْكَسْلُ يُضِرُّ بِالْدِّينِ وَ الدُّنْيَا . کسالت باید ضرر به دین و دنیا می‌شود.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۷۵، ص ۱۸۰

۲. **عدم سعی:** «وَأَنْ تَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۹</sup> ممکن است فردی کسل نباشد اما سعی کافی در پذیرش تعریف درست از خود نشان ندهد؛ به عبارتی تلاش خود را در مسیر دیگری به کار گیرد. برای نمونه می‌توان به برخی از نهادهای انقلاب اسلامی که برای رفع محرومیت سعی در درک مفاهیم دینی در این موضوع نداشته و صرفاً این امر را از پایه تعاریف غلط دنبال می‌کنند. برای مثال در مسئله مدیریت منابع آبی کشور، ارگان‌هایی که به دنبال حل این مشکل بوده‌اند به جای سعی بیشتر در بدست آوردن تعریف درست از این موضوع از منابع اهل بیت علیهم السلام به دنبال راه‌حل‌های غربی و پرضرر (مانند استفاده از سدها) رفته و همین موضوع موجب تخریب محیط زیست، ناکامی در مدیریت آب، به چالش کشیده شدن منابع آبی کشور و موارد متعدد دیگر شده است.

۳. **استضعاف:** «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا \* إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا»<sup>۱۰</sup> تسلط کفر بر فکر جامعه ایمانی باعث قبول همان مفاهیم در ذهن افراد جامعه خواهد شد. به عبارتی در این فضا افراد به دلیل اینکه مفاهیم غلط آن‌ها را احاطه کرده است به سمت فهم تعاریف درست نخواهند رفت. برای مثال می‌توان وضعیت دانشگاه‌های کشور را در قبول تعاریف غلط غربی مانند؛ اقتصاد، توسعه و مدیریت از این باب دید.

۹. النجم: ۳۹ و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست. (ترجمه انصاریان)

۱۰. آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء: قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگان آنان را قبض روح می‌کنند، به آنان می‌گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است. \* مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که [برای نجات خود از محیط کفر و شرک] هیچ چاره‌ای ندارند، و راهی [برای هجرت] نمی‌یابند. (ترجمه انصاریان)  
عَلِيٌّ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُسْتَضْعَفِ فَقَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَهْتَدِي حِيلَةً إِلَّا إِلَى الْكُفْرِ فَيَكْفُرُ وَلَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى الْإِيمَانِ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُؤْمِنَ وَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْفُرَ فَهُمْ الصَّبِيَّانُ وَمَنْ كَانَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ عَلَى مِثْلِ عُقُولِ الصَّبِيَّانِ مَرْفُوعٌ عَنْهُمْ الْقَلَمُ.

زراره گوید: از حضرت باقر علیه السلام راجع بمستضعف پرسش کردم: فرمود: او کسی است که حیلۀ بکفر ندارد که کافر شود، و راهی بایمان نیابد (تا مؤمن گردد) نتواند مؤمن شود و نتواند کافر گردد، و آنها کودکانند، و هر مرد و زنی که عقل (و خرد) آنها چون عقل کودکان است، و قلم (تکلیف) از آنان برداشته شده است. (ترجمه مصطفوی)

۴. طینت<sup>۱۱</sup>: طبق روایات باب طینت اگر فرد با طینت کفر و عدم ایمان متولد شده

باشد، توانایی قبول تعاریف درست در او بسیار سخت خواهد بود. برای مثال در

### روایات

چنین وارد شده است که فرد زنزاده توانایی قبول ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام به

تعریف امام را نخواهد داشت.<sup>۱۲</sup>

۱۱. علی بن محمد بن صالح بن ابی حماد عن الحسن بن زید عن الحسن بن علی بن ابی حمزة عن ابراهیم بن ابی عبد الله علیه السلام قال: إن الله عز وجل لما أراد أن يخلق آدم عليه السلام بعث جبرئيل عليه السلام في أول ساعة من يوم الجمعة فقبض بيمينه قبضة بلغت قبضته من السماء السابعة إلى السماء الدنيا وأخذ من كل سماء تربة و قبض قبضة أخرى من الأرض السابعة العليا إلى الأرض السابعة القصوى فأمر الله عز وجل كلمته فأمسك القبضة الأولى بيمينه والقبضة الأخرى بشماله ففلق الطين فلقن قدرًا من الأرض ذرًا و من السماوات ذرًا فقال للذي بيمينه منك الرسل والأنبياء والأوصياء والصدّيقون والمؤمنون والسعداء و من أريد كرامته فوجب لهم ما قال كما قال و قال للذي بشماله منك الجبارون والمشركون والكافرون والطواغيت و من أريد هوانه و شقوته فوجب لهم ما قال كما قال ثم إن الطينتين خلطتا جميعاً و ذلك قول الله عز وجل «إن الله فالحق الحب و التوى» فالحب طينة المؤمنين التي ألقى الله عليها محبته و التوى طينة الكافرين الذين نأوا عن كل خير و إنما سمي التوى من أجل أنه نأى عن كل خير و تباعد عنه و قال الله عز وجل «يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي» فالحي المؤمن الذي يخرج طينته من طينة الكافر و الميت الذي يخرج من الحي هو الكافر الذي يخرج من طينة المؤمن فالحي المؤمن و الميت الكافر و ذلك قوله عز وجل: «أ و من كان ميتاً فأحييناه» فكان موته إختلاط طينته مع طينة الكافر و كان حياته حين فرق الله عز وجل بينهما بكلمته كذلك يخرج الله عز وجل المؤمن في الميلاذ من الظلمة بعد دخوله فيها إلى النور و يخرج الكافر من النور إلى الظلمة بعد دخوله إلى النور و ذلك قوله عز وجل: «يُنذِر مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ».

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خدای عز و جل چون خواست آدم علیه السلام را بیافریند، در ساعت اول روز جمعه جبرئیل را فرستاد تا با دست راستش که از آسمان هفتم به آسمان دنیا می‌رسید مشت کرد، و از هر آسمان خاکی برداشت، و مشت دیگری از زمین هفتم بالا تا زمین هفتم دور برگرفت. سپس خدای عز و جل کلمه خود (جبرئیل) را دستور داد تا مشت اول را بدست راست و مشت دوم را بدست چپ خود نگهداشت، سپس آن گل را بدو قسمت شکافت و آنچه از زمین بود، بنوعی دریاشید و آنچه را هم که از آسمان‌ها بود بنوعی دریاشید. آنگاه خدای تعالی نسبت به آنچه در دست راستش بود فرمود: رسولان و پیغمبران و اوصیاء و صدیقان و مؤمنان و سعادت‌مندان و هر که ارجمندیش را خواستم، از توست. پس آنچه در باره آنها فرمود، چنان که فرمود ثابت و لازم شد. و نسبت به آنچه در دست چپش بود، فرمود: ستمگران و مشرکین و کفار و طغیانگران و هر که خواری و شقاوتش را خواستم از توست، پس آنچه در باره آنها فرمود، چنان که فرمود، ثابت و لازم شد. سپس تمامت آن دو طینت بیکدیگر آمیخته شد. این است آنچه خدای عز و جل فرماید: «همانا خدا شکافنده دانه و هسته است - ۹۵ - سوره ۶-» مقصود از دانه طینت مؤمنین است که خدا محبت خود را بر آنها القا فرموده و مقصود از هسته طینت کافران است که از هر خیری دور گشتند. و از این جهت هسته (نوی) نامیده شد، که از هر خیری برکنار گشت و دور شد. و نیز خدای عز و جل فرماید: «خدا زنده را از مرده بیرون آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است. مقصود از زنده همان مؤمن است که طینت او از طینت کافر بیرون آید و مقصود از مرده‌ای که از زنده بیرون شود، کافری است که از طینت مؤمن بیرون شود، پس زنده مؤمن است و مرده کافر. این است که خدای عز و جل فرماید: «آیا کسی که مرده است و سپس ما او را زنده کنیم - ۱۲۲ - سوره ۲۱» پس مقصود از مردن مؤمن، آمیختگی طینت او با طینت کافر است و زندگی او زمانی است که خدای عز و جل به وسیله کلمه خود (جبرئیل) آنها را از یکدیگر جدا ساخت. خدای عز و جل این گونه مؤمن را در زمان ولادتش پس از آنکه در تاریکی بود، خارج می‌کند و بسوی نور می‌برد و کافر را پس از آنکه در نور باشد خارج می‌کند و بسوی تاریکی می‌برد، این است معنی گفتار خدای عز و جل «تا آنکه از زنده است بیم دهد و گفتار (وعده و فرمان خدا) بر کافران ثابت گردد».

(ترجمه مصطفوی)

الکافی، ج ۲، ص ۵

۱۲. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فَرَاتٍ الْكُوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُرْمَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُرُوزِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُو بْنُ مَنُظُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: كُنَّا بِنَيْ مَع رَسُولِ اللَّهِ إِذْ بَصُرْنَا بِرَجُلٍ سَاجِدٍ وَ رَاحِحٍ وَ مُتَضَرِّعٍ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ صَلَاتِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ الَّذِي أُخْرِجَ أَبَاكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ فَمَضَى إِلَيْهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيْرَ مُكْتَرِهٍ فَهَرَّهَ هَرَّةً أَدْخَلَ أَضْلَاعَةَ الْيَمَنِ فِي الْيَسْرَى وَ الْيَسْرَى فِي الْيَمَنِ ثُمَّ قَالَ لَا تُفْتَلِكْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَقَالَ لَنْ تَقْدِرَ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ مِنْ عِنْدِ رَبِّي مَا لَكَ تَرِيدُ قَتْلِي فَوَ اللَّهُ مَا أَبْغَضَكَ أَحَدٌ إِلَّا سَبَقَتْ نُطْفَتِي إِلَى رِجَمِ أُمَّهِ قَبْلَ نُطْفَةِ أَبِيهِ وَ لَقَدْ شَارَكْتُ مُبْغِضِكَ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَقَدْ شَارَكْتُ مُبْغِضِكَ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا سَفَاحِي وَ لَا مِنْ الْأَنْصَارِ إِلَّا يَهُودِيٍّ وَ لَا مِنْ الْعَرَبِ إِلَّا دَعِيٍّ وَ لَا مِنْ سَائِرِ النَّاسِ إِلَّا شَقِيٍّ وَ لَا مِنْ النِّسَاءِ إِلَّا سَلْفَلِقِيَّةٌ وَ هِيَ النَّبِيَّةُ تَحِيضٌ مِنْ دُبْرَاهَا ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ مَعَاشِرَ الْأَنْصَارِ إِعْرَضُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَيَّ مَحَبَّةً عَلَيَّ فَإِنْ أَجَابُوا فَهُمْ مِنْكُمْ وَ إِنْ أَبَوْا فَابْتَسُوا مِنْكُمْ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَكُنَّا نَعْرِضُ حُبَّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَوْلَادِنَا فَمَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا عَلِمْنَا أَنَّهُ مِنْ أَوْلَادِنَا وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا إِنْتَفَيْنَا مِنْهُ.

۵. دوران شکل‌گیری شخصیت: «الشَّقِي مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ»<sup>۱۳</sup>. افراد در دوران شکل‌گیری شخصیت، تعاریفی را از سوی نهاد تربیت‌کننده خود قبول می‌کنند که تغییر آن‌ها بعد از دوران شکل‌گیری شخصیت کار سختی خواهد بود. به عبارتی شرایط حاکم بر تربیت افراد، تعاریف آن‌ها را شکل خواهد داد.

۲/۳/۳. ايجاد  
فعالیت‌های غیر  
بیانی به عنوان  
مقدمه برای شروع  
به چالش کشیدن  
تعریف غلط (به  
دست آوردن منزلت)

برای اینکه بتوانیم یک تعریف غلط را به خوبی به چالش بکشیم، نیاز است که مخاطب را به وسیله مجموعه‌ای از اقدامات غیربیانی برای این کار آماده کنیم. به عبارتی با بیان تنها و بدون توجه به مکانیزم‌های غیربیانی نمی‌توان در مخاطب نسبت به غلط بودن تعریف خود تأمل ایجاد کرد. در همین زمینه برخی از امور به عنوان ابزارهای غیربیانی معرفی شده است. ۱. سکوت که به تعبیر روایت: «إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ»<sup>۱۴</sup> منجر به جلب نظر و اقبال بقیه به فرد شده و این کار زمینه ارائه تعریف صحیح است. ۲. تحقیر نظم موجود مانند فعالیت‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در مقابل

حسن بن محمد بن سعید هاشمی می‌گوید: فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی از محمد بن علی بن معمر از ابو عبد الله احمد بن علی بن محمد رملی از احمد بن موسی از یعقوب بن اسحاق مروزی از عمرو بن منصور از اسماعیل بن ابان از یحیی بن ابی‌کثیر از پدرش، از ابو هارون عبدی، از جابر بن عبد الله انصاری، وی می‌گوید: ما در معیت رسول خدا صلی الله علیه و آله در منی بودیم، مردی را دیدیم که سجود و رکوع می‌کند و تضرع دارد. عرض کردیم: ای رسول خدا چقدر نیکو نماز می‌خواند! حضرت فرمود: این مرد همان است که پدر شما را از بهشت اخراج نمود. علی علیه السلام بدون پروا به طرفش رفته پس او را تکان داد به طوری که دنده‌های راستش در چپ و دنده‌های چپش در راست او فرو رفت. سپس حضرت به او فرمود: اگر خدا بخواهد تو را خواهم کشت. شیطان گفت: تا زمان معهود که پروردگار معین نموده تو بر این کار قادر نیستی، چرا مرا می‌خواهی بکشی به خدا سوگند احدی تو را دشمن ندارد مگر آن که نطفه من زودتر از نطفه پدرش در رحم مادرش قرار گرفته. من در اموال و اولاد دشمنان تو شرکت دارم چنانچه خداوند عز و جل در کتاب محکمش می‌فرماید: «وَسَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (در اموال و اولاد ایشان شریک شو). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی، او راست می‌گوید بغض تو را ندارد احدی از قریش مگر حرام زاده و نه از انصار مگر یهودی و نه از عرب مگر متهم در نسب و نه از سائر مردم مگر شقی و نه از زنان مگر آنان که از پشت حانض می‌شوند. سپس ساکت شدند و پس از لحظاتی سر بلند کرده و فرمودند: ای گروه انصار! فرزندانان را بر محبت علی علیه السلام عرضه بدارید، اگر جواب دادند، آنها از شما بوده و اگر انکار و امتناع نمودند از شما نیستند. جابر بن عبد الله می‌گوید: ما محبت علی علیه السلام را بر فرزندانمان عرضه می‌داشتیم، هر کس او را دوست می‌داشت می‌دانستیم اولاد خودمان بوده و آن که بغض آن حضرت را در دل می‌داشت خود را از او سلب می‌کردیم و می‌گفتیم از ما نیست. (ترجمه ذهنی تهرانی) علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۲

۱۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الشَّقِي مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ . شقی کسی است که در شکم مادرش شقی بوده و سعید هم کسی است که از در شکم مادرش سعید باشد.

تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۲۷

۱۴. مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَضْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْجَلْمُ وَ الْعِلْمُ وَ الصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ.

از نشانه‌های فقاقت بردباری و علم و خاموشی است، همانا خاموشی یکی از درهای حکمت است، همانا خاموشی محبت می‌آورد و راهنمای هر امر خیری می‌باشد. (زیرا انسان با تفکر بهر خیری میرسد و خاموشی موجب و مزید تفکر است).

الکافی، ج ۲، ص ۱۱۳

بت‌ها<sup>۱۵</sup>. ۳. نمونه‌سازی براساس تعریف صحیح برگرفته از ادبیات وحی که با این کار بالاترین کارآمدی تعریف خود را به نمایش خواهیم گذاشت.<sup>۱۶</sup>

می‌توان گفت که عوامل غیربیانی، عامل تهییج مخاطبین برای توجه به یک تعریف صحیح و فهم غلط بودن تعریف غلط خواهد بود.

هرچقدر هم یک تعریف دقیق و درست بوده و شرایط بیرونی هم برای بیان آن آماده باشد نمی‌توان گفت که بدون اینکه خود شخص یا گروه هدف مخاطب در خود آماده‌سازی ایجاد کنند، خواهند توانست بحث را به خوبی دریافت کنند. به عبارتی تزکیه، موضوعی بسیار لازم در مهیا شدن درونی شخص برای دریافت تعریف درست است. لذا در آیات و روایات هم به صورت مکرر به این موضوع اشاره شده است که از آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲/۳/۴. دعوت  
مخاطب به  
آماده‌سازی خود  
برای دریافت تعریف  
درست (خودسازی)

۱۵. قال الصادق علیه السلام: كَانَ أَرَزُّ كُلَّمَا نَظَرَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبَّهُ حُبًّا شَدِيدًا وَ كَانَ يَدْفَعُ إِلَيْهِ الْأَصْنَامَ لِيَبْعَهَا كَمَا يَبِيعُ إِخْوَتَهُ فَكَانَ يَعْلَقُ فِي أَعْنَاقِهَا الْخُبُوطَ وَ يَجْرُهَا عَلَى الْأَرْضِ وَ يَقُولُ مَنْ يَشْتَرِي مَا لَا يَضُرُّهُ وَ لَا يَنْفَعُهُ وَ يُعْرِفُهَا فِي الْمَاءِ وَ الْحَمَاءِ وَ يَقُولُ لَهَا اشْرِي وَ تَكَلِّمِي فَذَكَرَ إِخْوَتَهُ ذَلِكَ لِأَيِّهِ فَتَهَاةٌ فَلَمْ يَنْتَهَ فَحَبَسَهُ فِي مَنْزِلِهِ وَ لَمْ يَدْعُهُ يَخْرُجُ وَ حَاجَةٌ قَوْمُهُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَحَاجُونِي فِي اللَّهِ وَ قَدْ هَدَانِ أَيْ بَيْنَ لِي وَ لَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنْتُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَيْ أَنَا أَحَقُّ بِالْأَمْنِ حَيْثُ أَعْبُدُ اللَّهَ أَوْ أَنْتُمْ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ الْأَصْنَامَ.

امام صادق علیه السلام هرچقدر آزر به ابراهیم علیه السلام بیشتر می‌نگریست، بیشتر او را دوست می‌داشت و به‌مانند دیگر برادرانش به او بت می‌داد تا آن‌ها را بفروشد. ابراهیم علیه السلام نیز در گردن آن بت‌ها نخ‌ری را آویزان می‌کرد و آن‌ها را روی زمین می‌کشاند و می‌گفت: «چه کسی می‌خرد آنچه که سود و زیانی نمی‌رساند؟! همچنین آن‌ها را در آب و گل و لای فرو می‌برد و به آن‌ها می‌گفت: «بنوشید و سخن بگویید». برادرانش، آزر را از این امر باخبر ساختند و او وی را از این کار نهی کرد. اما ابراهیم علیه السلام از این کار دست نکشید. از این رو آزر او را در خانه‌اش حبس کرد و نگذاشت بیرون بیاید. قوم او (ابراهیم) با وی به گفتگو و ستیز پرداختند. ابراهیم علیه السلام گفت: آیا درباره خدا با من گفتگو و ستیز می‌کنید؟! درحالی‌که خداوند با دلایل روشن، مرا هدایت کرده است. و من از آنچه شما همتای او قرار می‌دهید، نمی‌ترسم [و زیانی به من نمی‌رساند]؛ مگر پروردگارم چیزی را بخواهد. وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در بر می‌گیرد؛ آیا متذکر [و بیدار] نمی‌شوید؟ سپس به آنان فرمود: وَ كَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَ لَا تَخَافُونَ أَنْتُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ یعنی کدام‌یک به ایمنی سزاوارتر است؟ من که خدا را می‌پرستم یا شما که بت می‌پرستید.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۱۲، ص ۳۱

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۸

۱۶. آیات ۱ و ۲ سوره نصر: إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا  
هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرارسد \* و مردم را ببینی که گروه گروه در دین خدا درآیند. (ترجمه انصاریان)

۱. سفر در راه کسب علم با توجه به سخت بودن سفر<sup>۱۷</sup>

۲. صدقه دادن<sup>۱۸</sup>

۳. استفاده از طبیات در خوراک<sup>۱۹</sup>

۴. تحمل ریاضت علمی<sup>۲۰</sup>

### ۳. نیاز به طراحی و تأسیس اقدامات زیرساختی برای شروع دوران پردازش

بعد از فهم تعریف مرحله پردازش و همچنین شناخت عوامل مؤثر در فرایند تغییر در تعریف غلط، در گام آخر باید برای تحقق پردازش سامانه‌هایی طراحی و تأسیس کرد که بتوانند همه فعالیت‌های مورد نیاز برای پردازش را پوشش دهند. به عبارتی باید بدانیم که پردازش چه نیازهایی دارد.

#### ۳/۱. طراحی و تأسیس سامانه گزارش راهبردی

گزارش راهبردی به عنوان آخرین اقدام در مرحله تدوین و لازمه ورود به مرحله نظام مقایسه برای یک کارشناس است. در گزارش راهبردی در دوران پردازش رابطه بین یک تصمیم و تعریف آن در یک مورد خاص بررسی شده و تعریف جدید ارائه می‌شود.

#### ۳/۲. طراحی و تأسیس سامانه نمایشگاه

نمایشگاه محصولات الگوی پیشرفت اسلامی در قالب نه محصول (نمودار پژوهشی، جزوات تولد نظریه، جزوات پیشخوان، جزوات پیاده فوری، جزوات جلسات

۱۷. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَتَّالُ فِي رَوْضَةِ الْوَاعِظِينَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ .  
دانش را فرا گیرید، گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است.

تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲۷، ص ۲۷

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَافِرُوا تَصَحُّوا سَافِرُوا تَعْتَمُوا .  
سفر کنید که اگر در سفر مالی به چنگ نیاورید، عقل شما فرونی خواهد یافت.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۵

السَّفَرُ مِيزَانُ الْأَخْلَاقِ .

سفر ترازوی اخلاق است.

ابن ابی الحدید، شرح بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۶۹

۱۸. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می‌کنی، و آنان را رشد و تکامل می‌دهی؛ و [به هنگام دریافت زکات] بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است؛ و خدا شنوا و داناست. (ترجمه انصاریان)

توبه: ۱۰۲

۱۹. يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

ای پیامبران! از خوردنی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می‌دهید، دانایم. (ترجمه انصاریان)

المؤمنون: ۵۱

۲۰. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ لَمْ يَضِبْزِ عَلَى ذُلِّ التَّعَلُّمِ سَاعَةً، بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا.

آنکه ساعتی خواری فراگرفتن علم را تحمل نکند، برای همیشه در خواری نادانی خواهد ماند.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۱، ص ۷۷

ارتباطی، جزوات راهنمای کارشناسان، دوره‌های بحث، گزارش راهبردی و محصولات تصویری) ارائه خواهند شد که غرض آن ایجاد منزلت برای جبهه الگوی پیشرفت اسلامی در کنار دستگاه‌های پاسخگویی به مسائل کشور (دانشگاه و حوزه علمیه) خواهد بود و در آینده به وسیله فیض این علوم را به سراسر جهان ارسال خواهد کرد.

در دوران پردازش باید تولیدات هشت‌گانه الگوی پیشرفت اسلامی (به‌غیر از گزارش راهبردی) با رعایت معادله زمان ضرب در اتقان به دست مخاطبان خود با توجه به موضوع مورد نیاز برسد.

۳/۳. طراحی و  
تأسیس سامانه  
تدوین

یکی دیگر از فعالیت‌های مورد نیاز در دوران پردازش، تضارب مباحث بین مؤمنینی است که نسبت به بحث‌های الگوی پیشرفت اسلامی حسن‌الاستماع داشته و حال می‌خواهند به وسیله تضارب تسلط خود را بالا ببرند. طبق روایت: ((۱))<sup>۲۱</sup> تضارب باید: ۱. بین مؤمنینی که بحث را قبول داشته، ۲. بر سر بعضی از آرا باشد و نه همه آن‌ها و ۳. در تضارب فقط رأی‌ها مورد بحث قرار گیرند و از اصطکاک بین هم خودداری شود. این سامانه به غرض بالا رفتن تسلط فعالین الگوی پیشرفت اسلامی بر سر مباحث آن رخ می‌دهد.

۳/۴. طراحی و  
تأسیس سامانه  
تضارب

این سامانه به غرض هدایت نمونه‌سازی‌های انجام گرفته و هماهنگی آن‌ها طراحی خواهد شد.

۳/۵. طراحی و  
تأسیس سامانه  
نمونه‌سازی

سامانه تولید خبر باید بتواند اخبار جبهه الگوی پیشرفت اسلامی را به شکل افاضه در اختیار همه نیازمندان به فکر اسلامی برساند و جایگاه شهر مقدس قم را به عنوان پایگاه اصلی علوم اهل بیت علیهم السلام معرفی کند.<sup>۲۲</sup> و صلی الله علی محمد و آله و سلم

۳/۶. طراحی و  
تأسیس سامانه  
تولید و انتشار خبر

۲۱. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: اضربوا بعض الرؤی ببعض یتولد منه الصواب. رأی یکدیگر را به هم بزیند تا اندیشه درست تولد پیدا کند.

غرد الحکم و درو الکلم، ج ۱، ص ۱۵۸

۲۲. ثُمَّ قَالَ وَ زُوِيَ بِأَسَانِيدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةَ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ [يَأْرِزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْرِزُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةِ يَمَعَالِ لَهَا قُمْ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضَعَّفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمَخْدَرَاتُ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَبْقَى حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يَسِيرُ سَبْعًا لِقَمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً.



## فهرست تفصیلی:

- مقدمه: ضرورت فهم نقشه فعالیت‌های دوران پرورش برای فعالین الگوی پیشرفت اسلامی به غرض تفاهم بالاتر در عملکرد ..... ۱
۱. مروری بر افاق‌نمایی الگوی پیشرفت اسلامی به غرض تبیین جایگاه دوران پردازش در مرحله پرورش ..... ۱
- ۱/۲. دوران تحلیل ذهنی؛ پاسخ به سؤالات مخاطبین به غرض رفع بررسی ..... ۲
- ۱/۳. دوران پردازش؛ دوران پاسخگویی به سؤالات ناظر به اجرا ..... ۳
۲. بررسی تعریف پردازش، نظریات پیشرو و عوامل مؤثر بر شروع پردازش ..... ۳
- ۲/۱. تعریف مرحله پردازش؛ به چالش کشیدن همه‌جانبه تعاریف غلط ..... ۳
- ۲/۲. وجود مکاتب منطقی و عرفی مختلف در جامعه علت اصلی تفاوت در تعاریف نگرش‌ساز ..... ۳
- ۲/۲/۱. تعاریف عرفی (ارتکازی) برگرفته از دوران و شرایط شکل‌گیری شخصیت برای رفع نیازهای روزمره؛ اولین نوع تعاریف تأثیرگذار در زندگی افراد ... ۴
- ۲/۲/۲. بحث در فضای انتزاعی براساس ماهیت اشیاء در قالب تعریف به جنس و فصل بدون توجه به ویژگی و شرایط شخصی؛ ایراد تعریف در منطق یونانی (صوری) ..... ۴
- ۲/۲/۳. بحث به غرض تصرف در طبیعت بدون توجه به رشد انسان؛ ایراد اصلی منطقی مدرن (سیستمی) ..... ۴
- ۲/۳. نیاز به رعایت عوامل مؤثر بر فرایند تغییر در تعاریف افراد برای به چالش کشیدن تعاریف آن‌ها ..... ۵
- ۲/۲/۴. رعایت نصیح و امانت و در نظر گرفتن انسان در همه امور به غرض هدایت؛ ویژگی دستگاه فکری «فقه هدایت» در مطرح کردن تعاریف ..... ۵
- ۲/۳/۱. بررسی آثار و مناسک مبتنی بر یک تعریف غلط ..... ۵
- ۲/۳/۲. تشخیص منشأ و ریشه غلط یک تعریف غلط ..... ۶
- ۲/۳/۳. ایجاد فعالیت‌های غیر بیانی به عنوان مقدمه برای شروع به چالش کشیدن تعریف غلط (به دست آوردن منزلت) ..... ۹
- ۲/۳/۴. دعوت مخاطب به آماده‌سازی خود برای دریافت تعریف درست (خودسازی) ..... ۱۰
۳. نیاز به طراحی و تأسیس اقدامات زیرساختی برای شروع دوران پردازش ..... ۱۱
- ۳/۱. طراحی و تأسیس سامانه گزارش راهبردی ..... ۱۱
- ۳/۲. طراحی و تأسیس سامانه نمایشگاه ..... ۱۱
- ۳/۴. طراحی و تأسیس سامانه تضارب ..... ۱۲
- ۳/۳. طراحی و تأسیس سامانه تدوین ..... ۱۲
- ۳/۵. طراحی و تأسیس سامانه نمونه‌سازی ..... ۱۲
- ۳/۶. طراحی و تأسیس سامانه تولید و انتشار خبر ..... ۱۲

سپس گفته و به چند سند از امام صادق علیه السلام روایت شده که نام کوفه را برد و فرمود: بزودی کوفه از مؤمنان تهی شود و دانش از او نماند چنانچه مار در سوراخش نماند، سپس دانش در شهری پدید شود که قمش گویند و معدن علم و فضل گردد تا آنجا که در روی زمین هیچ نادانی نسبت به دین نماند تا برسد بنو عروسان پرده‌نشین. این نزدیک بظهور قائم ما باشد، و خدا قم و مردمش را مقام حجت سازد، و اگر آن نباشد زمین اهلس را فرو برد و حجتی در زمین نماند، و دانش از آن به همه بلاد منتشر گردد در مشرق و مغرب و حجت خدا بر مردم تمام شود. تا کسی در روی زمین نماند که علم و دین بدو نرسد، سپس قائم ظهور کند و سبب انتقام و خشم خدائی بر بنده‌ها شود، زیرا خدا از بنده‌ها انتقام نگیرد مگر پس از اینکه حجت را انکار کنند.

### نظام اصطلاحات:

| اصطلاحات مکاتب دیگر                         | اصطلاحات الگوی پیشرفت اسلامی   |
|---|--|
| منطق صوری، منطق سیستمی، تعاریف عرفی، اقتصاد | مرحله پژوهش، مرحله پرورش، مرحله پردازش، دوران ثبت ذهنی، دوران تحلیل ذهنی، دوران پردازش ذهنی، افق‌نمایی الگوی پیشرفت اسلامی، فقه هدایت، نگرش‌سازی، نمونه‌سازی، دوران شکل‌گیری شخصیت |

### فهرست منابع:

۱. قرآن كريم
۲. اصول كافى
۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام
۴. علل الشرايع
۵. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة
۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،
۷. المحاسن
۸. شرح ابن ابى الحديد بر نهج البلاغه
۹. غرر الحكم و درر الكلم
۱۰. تفسير القمى
۱۱. شرح الإشارات و التنبهات

## بخشی از متن:

برای ایجاد تغییر در یک مسئله نباید به سمت مقابله مستقیم با تصمیمات رفت زیرا در این صورت باعث ایجاد نزاع و اختلاف در جامعه خواهیم شد و افراد با اراده و اختیار خود به سمت تغییر در تصمیم خود نخواهند رفت. این نکته مهم را باید دانست که همیشه تصمیمات افراد، برگرفته از نگرش‌های آنها (تساویر) بوده و نگرش‌ها هم برگرفته از تعاریف آنها راجع به یک موضوع است.